



کتابخانه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه بیستم و ششم – ۲۴ آذر ماه ۱۳۹۹

آیة ۵۲:



فِيهِمَا

مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲)

در آن دو (بوستان خائفین)،

از هر «فاکه‌ای»، «دو گونه» است.

« **فاکِهه** »: هر چیزی که:

« شاداب و نشاط‌انگیز و دلچسب » باشد. (مثل: میوه)

« **زَوَج** »: (مثل: « ۲ » و « آب » و « گِل » و « گُل »)

« دو عنصرِ متقارن » و « غیر قابل تفکیک » اند که
« هویت واحدی دارند » و « عاملِ تعادلِ یکدیگرند ».

(**زَوَج**، « **جفت** » نیست زیرا جفت، مثل دو لبه زیپ، قابل تفکیک‌اند.)

این «زوج» بودن یعنی چه؟

هر نوع « فاکهه‌ای » در آنجا،

« **زوج** » اند،

یعنی: در اوجِ « **همدلی** و **تعادل** »،

و « **وحدت** » هستند.

این که « فواکه » آن « **جنتان** »،

« **زوج** » اند، یعنی:

هر کدام از آنها « **لباس** » یکدیگرند:

هُنَّ^{۱۳} « لِبَاسٌ^{۲۶} » لَكُمْ^۶ وَ أَنْتُمْ^{۵۰} « لِبَاسٌ^{۲۶} » لَهُنَّ^{۱۳} ... (بقره/۱۸۷)

فاکِهه « **معقول** » (غذایِ روح) و فاکِهه « **محسوس** » (غذایِ جسم)،

هیچ « **تعارضی** » با هم ندارند،

« عمقِ باطن » تا « ظهورِ ظاهر » در آنجا،

« **یکپارچه** » است.

و این « دو جَنّتِ (مستور) » با « دو چشمهٔ جوشان »،

(متناسب با میوه‌های آن) سیراب می‌شوند: « **فیهما عَیْنَانِ تَجْرِیَانِ** » (۵۰) »

« بهشت » کجاست؟

احتمالاً « **جَنَّت** »،

قبل از اینکه « **جا** » باشد،

« **عالیترین درجه** » از « **حیات** » است،

که « همه چیز آن »،

« **رنگ و عطر و لباسِ تقوا** » را دارد.

و با توجه به این فرمایش قرآن که:

« **وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ** » (قصص/۸۳)

آیا « **بهشت** »، تجلیِ « انسان با تقوا » نیست؟

آیا « دوست داشتن »،

« دوست » را « داشتن » نیست؟

آیة ۵۳:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۳)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟ *

قرآن فرمود:

« مَكْذِبِينَ » مثلِ « أَنْعَام » بهره می‌برند.

ببینیم « کَارِ مَكْذِبِينَ » چیست؟

« جن و انسِ **مکذّب** »،

قطعاً کاری به « **خدا** » و « **تقوا** » ندارند،

پس آنها تلاش می کنند تا « تمام مردم » را به:

« **آتش افروزی** » و هر « **کارِ خلافِ عقل و وحی** »،

« **وسوسه** » و « **تحریک** » کنند:

... مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (٤)

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (٥)

مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (٦)

... * از شر وسوسه گر نهانی * آنکه در سینه مردم وسوسه می کند *

* از جن و انس * (به تو پناه می آورم.)

« وسوسه » چیست؟

« **توطئه** » های متنوع و مداومی است برای:

« **ایجادِ شک** و **تردید** و **تزلزل** »

و « **بی‌تقوا** کردنِ مردم »، تا آنها:

« **بی‌حیاء و وقیح و جهنمی** » شوند:

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ

لِيُفْسِدَ لَهُمَا مَا وَوَرَىٰ عَنْهُمَا مِنَ سَوَآتِهِمَا

وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ

(أعراف/۲۰)

پس شیطان آنها را وسوسه کرد تا آنچه از عورتشان پنهان بود برایشان نمایان کند
و گفت^{۲۲} خدایتان شما را از این درخت منع کرد تا ملائکه نشوید یا از جاودانان شوید.

« وسوسه »

إلقاء « اطلاعات دروغ » است:

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ

قال: يا آدَمُ؛

هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةٍ الْخُلْدِ وَ مَلِكٍ لَا يَبُلَى؟

(طه/۱۲۰)

پس شیطان او را وسوسه کرد گفت: ای آدم؛

آیا^{۲۴} تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی شود راه نمائی بکنم؟

مهمترین هدفِ «**وسوسه**»
نشرِ «**فرهنگِ برهنگی**» است:

يا بَنِي آدَمَ؛ **لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الشَّيْطَانُ**

كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ

يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا

إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (أعراف/ ۲۷)

ای فرزندان آدم؛ شیطان شما را به فتنه نیندازد چنانکه والدینتان را از بهشت بیرون راند

و لباس آنها را کند تا عورتشان را به آنها بنمایاند ،

آیة ۵۴:



مُتَكِّئِينَ عَلَى فُرُشٍ

بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ

وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (۵۴)

(خائفین عالی مقام) بر بسترهایی که آسترشان لطیف و براق است تکیه داده‌اند
و چیدن میوه (از) آن دو باغ (به آسانی) در دسترس است.

آنان، « مُتَكِينٌ » و در « حَالِ تَكِيهِ » هستند.

یعنی: نقطهٔ « اِتْكَاءِ » دارند، پس:

« بی ثبات و مضطرب و متزلزل » نیستند،

بلکه « سرشار از آرامش » هستند.

پس آنان، پشتشان «گرم» است،

و بر «گسترهای» تکیه داده‌اند که

«باطن» آن، (بَطَائِنُهَا)

«لایه‌های لطیف و براق» است.

«إِسْتَبْرَق»: براق، درخشان، نورانی.

.... « وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ »

« جَنَى: » (جنی، جنایت) جدا کردن و چیدن چیزی.

... تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا (مریم/۲۵) (تا بر تو خرماي تازه چیده شده بریزد).

« دَان: » (دنی، دانیه) نزدیکی و پائین و در دسترس.

آیة ۵۵:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۵)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می‌شمارید؟*

ضرورتِ «تکرار» چیست؟

« دیدن مناظر زیبا و فیلم‌ها » و « شنیدن صداها »،

و « تنفس » و « تغذیه » و « استحمام » را

بارها (بدون احساس کسالت)، « **تکرار** » می‌کنیم. « **چرا؟** »

و در « نماز و قرآن »، « اذکار و رفتار و آیاتی » را

بارها (بالجبار یا با اشتیاق)، « **تکرار** » می‌کنیم. « **چرا؟** »

هر کارِ «تکراری» یا «لغوی»،

«بیهوده، بی فایده، کسالت‌آور و زیان‌بار»،

و نشانه:

«بچگی یا بیماری یا اعتیاد» است.

اما « **تکرار** » هر کار:

« طبیعی » و « عاقلانه » و « مجازی »،

عامل افزایش:

« ارزش » و « **دقت** » و « **کارائی** » و « **توجه** »،

و « **لذت** » و « **اصلاح** » گفتار و رفتار فرد می شود.

مثلاً: «**تکرار** صفرها» ی مقابلِ «یک»،

بر «ارزش پول» می‌افزاید:



و یا «تکرارِ پله»،

پائین آمدن و بالا رفتن را «تسهیل» می کند:



پس «تکرار» آیه:

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»

برای «غفلت زدائی»

و افزایش «دقت» و «توجه»

و «اصلاح دایمی گفتار و رفتار» ما ضروری است.

آیة ۵۶:



فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ
لَهُنَّ يَطْمِئُنَّ أَنْسُ قُلُوبُهُمْ وَلَا جَان

(۵۶)

در آن (باغها) دلبرانی فروهشته نگاهند که دست هیچ انس
و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده است

چرا (به جای فیهما) می فرماید: «**فیهن**»؟

زیرا به «تعدادِ مقربین»، «جنتان» است:

«**وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ**» (۴۶)

پس تعدادِ «**جنتان**»، خیلی زیاد است.

« قاصِرَاتُ الطَّرْفِ »

« دلبرانی پاک و عزیز و پذیرنده و در اوج حیا »،

و « وجه اصلی خلقت » و « منشاء خلاقیت »،

و مظهر « قابلیت‌های شگفت‌انگیز » هستند که:

« نَگاهِ خاصّ و شوق‌آفرینی » دارند.

« **لَمْ يَطْمِئْهُنَّ** » یعنی:

« **لوح و جود** » آنان، « **بکر** » است،

و هنوز هیچ « **نقشی** » نگرفته‌اند.

« **طمث** »: « **لمسی لطیف** »،

که « **شور آفرین** » و « **حیات بخش** » است.

آیة ۵۷:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟ *



خدایا؛

« مقامِ ربوبیِ » خود را به ما بشناسان

تا « خائف » باشیم و « مکذِّب^س » نباشیم،

و در ظهور آخرین حجتِ تو **سهیم** باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ